

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

متصدیان ارجمند پورتال مبارز «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» سلام!

در رابطه با پدیده ویکی لیکس خواستم سؤالاتی چند طرح نموده از شما دوستان در زمینه خواهان روشنی اندازی شوم. ممکن شما پیشتر ازین در مورد ویکی لیکس مقالاتی بیرون داده و یا هم تبصره هائی نموده باشید که من نسبت مصروفیت هائی قادر به مطالعه آنها نشده ام. به هر حال تماس دوباره به آن موضوع که موضوع داغ روز است ، برای دیگر خوانندگان و علاقمندان این پورتال با شکوه نیز، عاری از مفاد نخواهد بود.

باعرض شکران!

هیوادوال کابلی

۱۵ دسمبر ۲۰۱۰

ویکی لیکس تک تک زرگراست یا تک آهنگر؟

درست نمی دانم چه زمانی نام ویکی لیکس به گوشم رسید ؛ ولی به هیچ وجه خالی از علاقه مندی نبود. آنچه در آغازین ساعات اطلاع از چنان پدیده بکر مرابه فکراندر نمود ، اولاً حجم معلومات و اسناد در زنده و ثانیاً بی تفاوتی نسبی دول و مطبوعات مربوطه شان در آن رابطه بود. شنیدن چنین مصاف متهورانه که منشأ فساد امروزی جهان یعنی امپریالیزم امریکا رادرقدم اول آماج قرار می دهد ، آنقدر برایم خوشایند بود که به شکل بسیار جالبی حمله بر برج های دوگانه نیویارک در سال ۲۰۰۱ را در ذهنم زنده نمود.

در آن ساعات که به وقت اروپا نزدیک به پایان روز بود ، من غرق در مطالعه کتابی بودم که عزیزی از راه رسید و بانوعی هیجان و درعین حال سرزنش به من خطاب کرد: " خبرنداری که سر امریکا حمله کرده اند. هله! تلویزیون را چلان کن و ببین که چه حال است... " من که ازته «آب مطالعه» به یکبارگی سربلند نموده بودم ، دوباره در «بحر» دیگری غرق شدم که اینبار به مراتب خوشایند ولی درعین حال دور از باور آنی بود. چشم از پرده تلویزیون بر نمی داشتم و افکار گوناگونی در ذهنم باهم تصادم می نمودند. در دود غلیظی که از آن برج های در حال سوختن بلند می شد و آن برج ها به سوی فروریزی روان بودند ، من آه دامنگیر مظلومان امپریالیزم در سراسر جهان را می دیدم؛ انتقام به حق قربانیان صبراً و شطیلاً ؛ قربانیان کارخانه کیمیاوی یونین کارباید و غیره و غیره را می دیدم و با خود

می گفتم که آخر الامر رزمندگانی از سرگذشته برج و باروی امپراتوری ظلم و بهره کشی جهان را به لرزه درآوردند... تا آنکه گوینده خبر و مفسرین از «القاعده» و چند جوان شوق میانه ، اسلامیزم و این و آن صحبت نمودند. آنآ آنهمه امیدوراری ها به سوالات و شک و تردید مبدل شده و با خود گفتم که نه زیر کاسه نیم کاسه ای است. ولی با آنهم جرأت حمله بردن استعمار را به فال نیک گرفتم که شاید الهامی شود برای تشدید مبارزه ضد استعماری و ضداستعماری نیروهای مردمی در جهان. نتیجه آن شد که در میان قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر آنسال ، عده زیادی از افسار پانین جامعه وجود داشتند و من به جای آنهمه خوشبینی ، در تقبیح جمعی آن جنایت خود را شریک دانسته و بر طراحان آن نفرین فرستادم. گذشت زمان ثابت ساخت (و لو این فرضیه قهراً از طرف دول غربی و پاکران آن ها رد می شود) که طراحان اصلی آن خود امپریالیزم جنایتگستر امریکا و صهیونیزم بوده تا متعاقب فروپاشی امپراتوری شوروی سوسیال امپریالیستی ؛ و در شفق قرن ، صفحه قدرت و قلدری را به نام خود رقم زنند و بهانه ای درست نمایند تا تجاوز نظامی امپریالیستی بر افغانستان و همان گونه تجاوز در شرق میانه (عراق) را که هر دو از سال ها روی دست بودند ، توجیه نمایند.

همگان شاهد بودند که یکبارگی که طرح تجاوز نظامی و مستعمره سازی آن دو کشور موفقانه عملی شد ، دیگر نه سخنی از دستگیری بن لادن بود و نه هم قلع و قم واقعی تروریست های اسلامیست یعنی طالبان بلکه امروز جلب و جذب آنها در دستور کار امپریالیزم امریکا قرار دارد. ادعای مبارزه با تروریزم اسلامی (القاعده و طالبان) فقط شعاری است که امپریالیزم با علم کردن آن ، قشون خود را هر روز و هر آن به یورش بر مردمان مظلوم و بی دفاع افغانستان تشویق و تشجیع می نماید ؛ و در برابر جنایات خود به هیچ مرجعی هم جوابده نیست بلکه در سایه آن ، به تاراج منابع زیرزمینی و تاراج آثار باستانی کشور و به ترویج هر چه بیشتر کشت و قاپاق مواد مخدر مصروف است.

به همین سان ، در عراق بعد از حمله و اشغال ، دیگر نه سخن جدی از سلاح کشتار جمعی بود و نه هم از بهانه خود ساخته دیگری برای جلوگیری از ضرر رسانی کشور عراق. صدام حسین هم که جسماً نابود شد ، دیگر هیچ توجیهی برای زیرپاشنه نمودن عراق تا حال موجود نیست... ولی امپریالیزم بیشتر مانده در آنجا ریشه دوانده است تا مگر حواله ۱۱ میلیون ها جفت کفش خشم و سربازی ملت غیور عراق ، آن را با تیراقتام به حق ، از آن مهد تمدن باستان بیرون افکند!

پیشینه حادثه ۱۱ سپتمبر چنان که شرح آن رفت ، مرابه آن واداشته است تا در خوشبینی خود نسبت به فعالیت های ظاهراً شجاعانه و نترس و یکی/لیکس محتاط باشیم. این احتیاط متکی بر یک دید دوگانه و همزمان است: دید مثبت و دید مشکوک.

دید مثبت:

آنگاهی که از روزنه مثبت به پدیده یکی/لیکس نگاه می کنم ، در آن تمرکز مجموع نارضایتی های جامعه بشری در رابطه با مظالم ممالک امپریالیستی و در پیشاپیش آنها امریکا را می بینم که مبتکرین و یکی/لیکس با تمسک به پیشرفته ترین امکانات دست داشته موجود که همانا کامپیوتر و اینترنت است ، فریاد خشم میلیون ها انسان رنج دیده سرازیر شده در جاده ها را به وسیله ای بس ساده و سریع اعتراض و طغیان جمعی مبدل نموده اند و آن را با دسترسی و بیرون دادن اسناد و مدارک محرمانه بدترین جنایات امریکا و رازهای پشت پرده آنها ، قوام بی نظیری می بخشند؛ که شگون آن نیک و میدان رزم آن بی انتها است و آن چنانی که دیده می شود ، همین که سایت اصلی و یکی/لیکس را می بندند ، هزاران سایت دیگر ، مطالب آن را داوطلبانه و مشتاقانه به شکل «آئینه» انعکاس داده نمی گذارند که

درفش مبارزه به زمین افتد. بانی و رهبران - ژولیان آسانژ - هم به سان هر قهرمان ضد استعماری و افشاءگر دیگر، مورد پیگرد جدی قرار گرفته و همین حال در زندان به سر می برد. پس بایست خوشبین بود که این پدیده قرن ۲۱ سرآغاز مبارزات تازه و نوینی به ضد استعمار جهانی بوده و دامنه آن - موازی با انکشافات علمی و الکترونیکی - ادامه خواهد یافت. در نتیجه موجه خواهد بود اگر آن پشتیبانی فعال نموده و راه مبارزه آن را پراهر و بخواهیم...

دیدمشکوک:

دیده درآئی و بی آزر می دول امپریالیستی و در رأس آن ها اضلاع متحده امریکا امروزه به آن حدی رسیده است که در مقایسه با آن، افتضاح و اثر گیت (در سطح داخل امریکا) و افتضاح ایران گیت (در سطح بین المللی) را می توان بدون تردید، نمونه هائی از دوران زهد و تقوای امپریالیزم نام برد. امروز، با وجود گلوپاره کردن های نظام های امپریالیستی در بانگ زدن «دموکراسی» و «رعایت اراده خلق»، به چشم سرمشاهده می نمایم که به دهها هزار نفر در جاده ها سرازیر می شوند و فریاد خشم خود را علیه نظام حاکم و تصامیم و قوانین ضد مردمی آن فریاد می زنند ولی همان دول مدعی رعایت «دموکراسی»، با گسیل قوای ضربه، افشاندن گاز اشک آور بر تظاهر کنندگان، ضرب و شتم، گیرو گرفت به آن خشم به حق و دموکراتیک - و اکثراً آرام و بدون خشونت - با خشونت و ددمنشی بیحد پاسخ می گویند. نمونه های نه چندان دور آن: اعتصابات و تظاهرات صدها هزار نفر در یونان علیه تعقیدات اقتصادی بر مردم.

تظاهرات ملیون ها نفر به ضد قانون جدید تقاعد در فرانسه و تظاهرات هزاران نفر به ضد دولت برلوسکونی در ایتالیا می باشد. در هیچ کدام از آنها، رقم درشت تظاهر کنندگان نتوانست معیار تعمق بر مفهوم دموکراسی قرار گیرد بلکه سیاست زورگویانه، استثماری و طبقاتی نظام حاکم حرف آخر را به خود اختصاص داد. از جانب دیگر، از دهه ها به اینسو دول غربی با تحویف ملل خود (خطر «کامونیزم»، بحران اقتصادی، بیکاری، ته کشیدن صندوق وجهی تقاعد و غیره و غیره)، نه تنها مردم خود را در ترس و خوف از فردا نگهداشته اند بلکه در عین حال، ذهنیت آنها را به نفع سیاست های خود شرطی ساخته اند.

پس با آنچه گفته آمد، چسان فردی - ولو نابغه دانش کامپیوتری چون ژولیان آسانژ - قادر خواهد بود با راه انداختن افشاءگری الکترونیکی، با هارترین دشمن تا دندان مسلح بشریت و جنایتکارترین و بی آرم ترین قدرت استعماری و مرگ گستر موجود در جهان مصاف داده و نه ده و نه صد بلکه به صدها هزار رسد کتبی، تصویر و فلم های محرمانه جنایات آن را - ولو با همدستی یک سرباز امریکائی و همدستان دیگر - به دسترس همگان قرار دهد. خدعه های امپریالیزم جهانی و به خصوص اضلاع متحده امریکا از چند دهه به اینسو نشان می دهد که هیچ تهوری را در تقابل با امپریالیزم نباید آرمان گرایانه ارزیابی کرده و زود قبول نمود بلکه باید به و رای آن نظر انداخت تا به ریشه های مسأله ره یافت. به عبارت دیگر، باید به راز پشت پرده «ویکی لیکس» دست یافت. مگر اینبار باز هم صحنه سازی در بین است؟

القاعده و طالبان صحنه سازی هائی از قماش قرون وسطائی بودند در متن دیگری. اینبار، «ویکی لیکس» می تواند صحنه سازی از نوع عصری ترین و پیشرفته ترین تقنین امپریالیستی برای تخدیر اذهان عامه و پیش پا افتاده ساختن سهمگین ترین جنایاتی باشد که اگر به شکل دیگری - و نه با پیشرفته ترین وسایل ارتباط جمعی عصر - به بیرون در می کرد، شاید تکان و بازتاب آن برای نظام امپریالیستی و دولت امریکا، واقعاً مهلک و فیصله کن می بود. آیا خطر آن ضربت «آهنگر» را عامدانه امپریالیزم با «تک تک زرگر» «ویکی لیکس» جلوگیری می نماید؟ آیا ژولیان

آسانتر معادل خوش لباس و عصری بن لادن است تا منافع امپریالیزم را با تظاهر به ضدیت با آن به پیش برد؟
و غیره؟ و غیره؟

امید که متصدیان دانشمند پورتال ضداستعماری و ضدارتجاعی «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مرادقضاوت درست این مسأله یاری رسانده بر من منت گذارند.
باعرض حرمت!

بیادداشت:

همکار نهایت عزیز و گرامی آقای هیوادوال، سلام ها و احترامات متقابل متصدیان و همکاران تخنیکی پورتال را تقدیم می داریم. امید است به سلامت باشید.
به ارتباط پاسخ به پرسشی که مطرح نموده اید، با آنکه چند مطلب به زبانهای دری و اروپائی در آن رابطه در پورتال وجود دارد که هر یک از آنها بخش هائی از واقعیت را می تواند روش نماید، مگر برای اینکه در آن رابطه یک حکم مطلق صادر شده بتواند، فکر می کنیم هنوز خیلی زود است تا به چنان حکمی دست یافت.
نظراتی را که در پورتال هم مطرح گردیده اند، در خطوط کلی همان شک شما را با خود انتقال می دهند هرچند دو روز قبل همکار گرامی ما آقای رحمانی ضمن یک مقاله در ۱۴ صفحه تا حدود زیادی بر تمام زوایای آن روشنی انداخته است.

آنچه از نظر پورتال می تواند با اهمیت تلقی شود، صرف نظر از آن که در عقب ویکی لیکس کدام دستانی وجود دارد، محتوای مطالب آن است که باید با دقت کامل به آنها برخورد صورت گرفته و آن نکاتی را که می توان از آنها استفاده تبلیغی و ترویجی علیه امپریالیزم و ارتجاع نمود، بیرون کشیده تقدیم خوانندگان گرانقدر نمود. هرگاه موفق شویم آن موادی را که می تواند به درد مردم ما در رزم دورانساز شان علیه امپریالیزم و ارتجاع بخورد، بیرون کشیم حتا در صورتی که دستان نهاد های امنیتی هم در قبال این افشاءگری گسترده وجود داشته باشد، موفقیت ما را در استفاده از تضاد های درونی اردوگاه دشمن مسجل خواهد ساخت.

بر همین مبنا پیشنهاد ما آن است که تمام قلم به دستان آشنا به زبانهای خارجی، بکوشند تا زمانیکه اسناد در دسترس قرار دارند مطالب مورد نظر را نشانی، حفظ و در وقت مساعد زیر ترجمه بگیرند. می توانند مطمئن باشند که هنگام نشر، از طرف متصدیان به مشورت مترجمان با آن اسناد برخورد لازم صورت خواهد گرفت.

شاد و موفق باشید

ویراستار بخش سیاسی پورتال AA-AA